

نقش عملکرد خانوادگی اصلی و روان رنجور خویی در باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق

اصغر پوراسمعی^۱، رسول حشمتی^{۲*}، مریم پرنیان خوی^۳
 تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۰ صص: ۱۷۴-۱۵۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۶

چکیده

اهمیت باورها و الگوهای ارتباطی در شکل دادن و تعیین کیفیت روابط زوجین غیر قابل انکار است. این باورها نیز مانند هر متغیر دیگری نشأت گرفته از عوامل بسیاری نظیر فرآیندهای درونی و ویژگی شخصیتی هر فرد و نیز عوامل محیطی و بافت اجتماعی است. از این رو هدف پژوهش حاضر، نقش عملکرد خانوادگی اصلی و روان رنجور خویی در باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق می‌باشد. در مطالعه‌ی حاضر که از نوع همبستگی می‌باشد، از بین زوج‌های متقاضی طلاق شهر اردبیل، ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از: خرده مقیاس روان رنجور خویی از پرسش‌نامه‌ی شخصیتی NEO-FFI (McCrae & Costa, 1985)، مقیاس خانوادگی اصلی (Hovestadt et al, 1985) و پرسش‌نامه‌ی باورهای ارتباطی (Eidelson and Epstein, 1982). داده‌ها با استفاده از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که باورهای ارتباطی زوجین با روان رنجور خویی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری دارد. از بین مؤلفه‌های عملکرد خانوادگی اصلی، مؤلفه‌ی صراحت بیان، احترام و حل تعارض با باورهای ارتباطی زوجین رابطه‌ی منفی و معنی‌داری دارند. نتایج روش رگرسیون نیز نشان داد که روان رنجور خویی و مؤلفه‌های صراحت بیان و اعتماد، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی باورهای ارتباطی زوجین بوده‌اند. البته در این میان، روان رنجور خویی سهم بیشتری در تبیین تغییرات باورهای ارتباطی زوجین نسبت به مؤلفه‌های عملکرد خانوادگی اصلی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که سطح پایین روان رنجور خویی و کارکرد بهنجار خانوادگی اصلی قادر به پیش‌بینی باورهای کارآمد ارتباطی می‌باشد که نتیجه‌ی این امر، کاهش تعارضات زناشویی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد خانوادگی اصلی، روان رنجور خویی، باورهای ارتباطی، زوجین متقاضی طلاق.

^۱ دکتری تخصصی روان‌شناسی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

^۲ دکتری تخصصی روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده‌ی مسئول: psy.heshmati@gmail.com

مقدمه

رضایت زناشویی^۱ یک جنبه‌ی بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه‌ی زناشویی است. به عبارت دیگر، یکی از جنبه‌های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه‌ی خویش احساس و تجربه می‌کنند (Gorchoff, John and Helson, 2008). با این وجود، آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفته‌گی زناشویی است، نشانگر آن است که رضایت زناشویی به آسانی قابل دست‌یابی نیست (Lin and Raghurir, 2005). به عبارت دیگر، طلاق که شایع‌ترین جلوه‌ی تعارض شدید است (Worthington, 2005)، فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (Gottman, 1993).

به عقیده‌ی (Eidelson and Epstein, 1982) نافذترین و پایدارترین متغیرهای شناختی که در ناراحتی زناشویی نهفته می‌باشند، باورهای افراطی درباره‌ی خود شخص، شریک زندگی و ماهیت تعاملات زناشویی است. صاحب نظران نشان داده‌اند که تمرکز و تأکید بر باورهای غیر منطقی توسط یکی یا هر دو شریک زندگی به ناراحتی و نارضایتی زناشویی می‌انجامد (Shahrestany, Doustkam, Rahbardar and Mashhadi, 2013). در این پژوهش، براساس تعریف (Eidelson and Epstein, 1982) منظور از باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسته از باورها و تفکرات غیر منطقی می‌باشند که مختص رابطه‌ی زناشویی است و در اثر استفاده‌ی افراطی ایجاد مشکل نموده است، که شامل پنج باور بدین شرح است (Eidelson and Epstein, 1982؛ به نقل از Johnson, 2015):

الف - باور به این که مخالفت تخریب کننده است^۲: زمانی که زوجین فکر می‌کنند قدرت کافی را برای تحمل مشکل ندارند، سعی می‌کنند از بروز مشکل و اختلاف در روابط زناشویی جلوگیری کنند.

ب - باور به عدم تغییر پذیری همسر^۳: زمانی است که یکی از زوجین رفتار ایده‌آل و قابل قبولی نداشته باشد و زوج دیگر بپندارد که چنین رفتار و وضعیتی وحشتناک است و در واقع هرگز تغییرات مثبت در رابطه‌ی زناشویی رخ نمی‌دهد.

¹ Marital Satisfaction

² Disagreement is distructive

³ Partner cannot change

پ- **باور توقع ذهن خوانی**^۱: زن و شوهر به علت وابستگی عمیقشان به یکدیگر فکر می کنند باید قادر باشند نیازهای طرف مقابل را درک و در واقع ذهن خوانی کنند، بدون این که نیازی به مطرح کردن مستقیم آن ها باشد.

ت- **کمال گرایی جنسی**^۲: چنان چه همسری در رابطه‌ی جنسی اش عالی نباشد، ناکام و شکست خورده است. ریشه‌ی این باور را در باور حکم کنندگی، نیازمندی و کمال گرایی می توان یافت.

ث- **باور به تفاوت های جنسیتی**^۳ (زن و مرد متفاوت اند): باورهای قالبی هستند که اساس علمی ندارند و مردم پیشاپیش ویژگی های خاصی را به دو جنس نسبت می دهند.

به عقیده‌ی (Ellis, 2003)، باورهای ناکارآمد، علت اصلی بسیاری از اختلاف های اجتماعی است و یکی از عمده ترین عرصه های بروز و نفوذ افکار غیر منطقی و ناکارآمد، زندگی زناشویی است. در همین راستا، (Starcket and Bursik, 2003) رابطه‌ی بین باورهای ارتباطی و نارضایتی در ارتباط را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عدم رضایت از ارتباط با باورهای غیر منطقی رابطه دارد (Hamamci, 2005)، در تحقیقی با عنوان (باورهای ارتباطی در تعارض زناشویی) روی یک نمونه‌ی ۱۸۲ نفری مرد و زن به این نتایج دست یافت که باورهای ارتباطی با تعداد فراوانی تعارضات زناشویی ارتباط مثبت داشته و سطح تنش با این تعارضات مرتبط بود. در پژوهش دیگری (Hamamci, 2005) که برای بررسی نقش باورهای ارتباطی بر رضایت مندی و سازگاری زناشویی انجام داد، مشخص شد که زوجینی که سازگاری متقابل کمتری داشتند، نسبت به زوجین سازگارتر، باورهای ارتباطی منفی بیشتری داشتند.

عوامل بسیاری بر باورها و الگوهای ارتباطی افراد با دیگران تأثیر می گذارند. یکی از این عوامل، تجارب فرد در خانواده‌ی اصلی اش می باشد (Roberto – Forman, 2008)؛ به نقل از Belyad, Nahidpoor, Azadi and Yadegari, 2014). توجه به تجارب اولیه فرد در خانواده اصلی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا درک فرد از این تجارب و شیوه‌ی انطباق با آن ها ممکن است کیفیت روابط زناشویی و ازدواج او را تحت تأثیر قرار دهد (Whitton, 2008). خانواده‌ی اصلی به تجارب فرد با والدین یا مراقبان او در دوران کودکی اشاره دارد که اساس روابط میان فردی او را در دوران بزرگسالی بنیان می نهند (Falcke, Wanger and Mosmann, 2008). کارکرد سالم خانواده‌ی اصلی، تعیین کننده‌ی سازگاری زناشویی فرزندان و وضعیت روانی - عاطفی آن ها در ازدواجشان است (Botha, Berg, and Venter, 2009).

¹ Mind reading is expected

² Sexual perfectionism

³ The sexes are different

پژوهشگران نشان دادند که عملکرد خانوادگی اصلی به فرزندان کمک می‌کند تا هویت مثبتی کسب کنند، استقلال خود را افزایش دهند و احتمال بروز مشکلات رفتاری و ارتباطی را در آینده کاهش دهند (Buboltz, Johnson and Woller, 2003؛ Dmitrieva, Chen, Greenberger and Gil-Rivas, 2004). به عبارت بهتر، عملکرد خانوادگی اصلی بر استقلال و صمیمیت به عنوان دو مفهوم کلیدی در حیات یک خانواده‌ی سالم تمرکز دارد. در این الگو، خانواده‌ی سالم به اعضای خود استقلال می‌دهد و این استقلال با تأکید بر صراحت بیان، مسئولیت، احترام به سایرین، باز بودن با دیگران و پذیرش جدایی و فقدان، به وجود می‌آید. خانواده‌ی سالم خانواده‌ای محسوب می‌گردد که در فضای خانواده و روابط، صمیمیت ایجاد کند و این کار را با تشویق بیان انواع احساسات، ایجاد فضای گرم در خانه، حل تعارض‌ها بدون ایجاد استرس، ایجاد حساسیت نسبت به فهم مشترک، و ایجاد اعتماد انجام می‌دهد (Belyad et al, 2014).

هم‌چنین قرار گرفتن در معرض تجارب منفی در خانواده‌ی اصلی با افزایش خطر مشکلات ارتباطی و زناشویی در فرزندان هنگامی که بزرگ می‌شوند و تشکیل خانواده می‌دهند (Halford, Sanders and Behrens, 2001) همراه است. تجارب منفی موجود در خانواده‌ی اصلی عبارتند از: تعارضات خانوادگی شدید، خشونت، خصومت و طلاق والدین که به الگوهای تعاملی منفی در زوج‌ها (Levy, Wamboldt and Fiese, 1997)، خشونت فیزیکی (Busby, Holman and Walker, 2008)، اسنادهای منفی راجع به خود و همسر (Gardner, Busby, Burr and Lyon, 2011)، طلاق و اختلاف زناشویی در فرزندان (Story, Karney, Lawrence and Bradbury, 2004)؛ به نقل از Belyad et al, 2014) منجر می‌شوند.

(Markman et al, 2010) هم به این نتیجه رسیدند که الگوهای ارتباطی منفی و مخرب در خانواده‌ی اصلی قادر به پیش‌بینی اختلافات زناشویی همسران در ۵ سال اول ازدواج است. یکی دیگر از عوامل مهمی که احتمال می‌رود تأثیر عمیقی بر باورهای ارتباطی زوجین و به تبع آن بر رضایت‌مندی زوجین داشته باشد، عوامل درون فردی، یعنی صفات و ویژگی‌های شخصیتی است. شخصیت از نظر Alport یکی از ریشه‌دارترین ابعاد وجود انسان است. سازمان پویا از نظام‌های جسمی، روانی در درون فرد است که تعیین‌کننده‌ی رفتار، افکار، نگرش‌ها و انتخاب‌های روزمره‌ی او محسوب می‌شود (Schultz and Schultz, 2016).

(Costa and McCrae, 1987)؛ به نقل از (Fazel, Haghshenas and Keshavarz, 2011) مدل پنج عاملی شخصیت^۱ را که یکی از مدل‌های مطرح در خصوص تأثیر عوامل شخصیتی است، ارائه

^۱ Five Factor Model of Personality

کرده‌اند. این مدل پنج ویژگی شخصیتی روان رنجور خوبی^۱، برون‌گرایی^۲، باز بودن^۳، توافق پذیری^۴ و وجدانی بودن^۵ را بررسی می‌کند. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که عوامل شخصیتی می‌توانند سازگاری و ناسازگاری را پیش‌بینی کنند. از این پنج عامل شخصیتی، روان رنجور خوبی که بیشتر با هیجان پذیری منفی از آن یاد می‌شود، اثرات قوی‌تری بر بازده زناشویی نشان می‌دهد تا چهار عامل دیگر (Watson and Clark, 1984؛ به نقل از Khojasteh Mehr, 2005).

بعد روان رنجور خوبی، داشتن احساسات منفی هم‌چون ترس، غم، برانگیختگی، خشم و احساس گناه را نشان می‌دهد. این افراد دمدمی و بیش از حد حساس بوده و از بسیاری از جنبه‌های زندگی رضایتی ندارند. معمولاً عزت نفس آن‌ها پایین بوده و ممکن است عقاید و انتظارات غیر واقعی نیز داشته باشند، آن‌ها دائماً نگران‌اند و معمولاً درباره‌ی خود و برنامه‌ی آینده احساس عدم امنیت می‌کنند (Donnellan, Conger and Bryant, 2004).

پژوهش (Najjarpour Ostad et al, 2010؛ به نقل از Chatrmehr and Kafi, 2015) نشان داد که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین صفات شخصیتی و باورهای ناکارآمد وجود دارد و روان رنجور خوبی می‌تواند باورهای ناکارآمد را پیش‌بینی کند. از سویی دیگر، نتیجه‌ی پژوهش (Najafi, 2016) نیز بیانگر این نکته بود که روان رنجور خوبی و باورهای غیر منطقی پیش‌بینی کننده‌ی فرسودگی زناشویی می‌باشند. از سویی دیگر، روان رنجور خوبی نیز قادر به پیش‌بینی باورهای غیر منطقی بود.

با وجود تحقیقات فراوانی که در زمینه‌ی عملکرد خانواده‌ی اصلی انجام شده، تحقیقات اندکی در زمینه‌ی ارتباط بین عملکرد خانواده‌ی اصلی و باورهای ارتباطی زوجین انجام گرفته است. از طرفی دیگر، روان رنجور خوبی یک رگه‌ی شخصیتی است که از خانواده و عملکرد اصلی خانواده ریشه می‌گیرد؛ با این حال نقش آن در باورهای ارتباطی زوجین در تحقیقات قبلی متناقض و ارتباط بین این دو شاخصه نامعلوم است. زوجین در آستانه‌ی طلاق، گروهی از اقشار جامعه محسوب می‌شوند که دارای شرایط خاصی هستند و از سایر زوجینی که قصد ادامه‌ی زندگی مشترک دارند متفاوت می‌باشند. این افراد در الگوهای ارتباطی خود با همسر به بن بست رسیده‌اند و تنها چاره حل این بن بست را جدایی می‌دانند. یکی از عوامل مهمی که این افراد را به بن بست می‌کشاند، باورهای ارتباطیشان می‌باشد. بنابراین، بررسی عوامل تعیین کننده و پیش‌بینی کننده‌ی باورهای

¹ Neuroticism

² Extraversion

³ Openness

⁴ Agreeableness

⁵ Conscientious

ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق از اهمیت فراوانی برخوردار است. بی‌تردید از بین عوامل متعددی که می‌تواند باورهای ارتباطی این افراد را تعیین کند، شاخصه‌های بنیادی تری مثل عملکرد خانوادگی اصلی است که زوجین در بافتار آن بزرگ شده‌اند. هم‌چنین، به نظر می‌رسد که روان رنجورخویی از بین پنج عامل بزرگ و بنیادی شخصیت نقش مهمی در باورهای ارتباطی زوجین ایفا کند. چرا که افراد روان رنجور خود از هیجانات منفی اضطراب، افسردگی، خشم، حساسیت بین فردی، کینه توزی و آسیب پذیری به استرس رنج می‌برند و این هیجانات می‌تواند باورهای ارتباطی را به شکل منفی تحت تأثیر خود قرار دهد. با این حال، رابطه‌ی بین عملکرد خانوادگی اصلی و روان رنجورخویی با باورهای ارتباطی زوجین روشن نیست. بنابراین، تحقیق حاضر به دنبال بررسی رابطه‌ی بین عملکرد خانوادگی اصلی و روان رنجورخویی با باورهای ارتباطی زوجین به طور اختصاصی در زوجین در آستانه‌ی طلاق می‌باشد.

فرصیه‌های پژوهش:

- ۱- بین عملکرد خانوادگی اصلی و باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- بین روان رنجورخویی و باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- عملکرد خانوادگی اصلی، قادر به پیش بینی باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق می‌باشد.
- ۴- روان رنجورخویی، قادر به پیش بینی باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش تمامی زوجینی هستند که در فاصله‌ی ۶ ماهه (اول دی‌ماه ۹۳ تا آخر خرداد ماه ۹۴) به مراجع قضایی (اعم از دادگاه‌ها و شورای حل اختلاف) دادگستری شهرستان اردبیل برای موضوع طلاق مراجعه کرده بودند. نمونه‌گیری به صورت داوطلبانه بود، بدین صورت که از بین زوج‌های متقاضی طلاق که به مراجع قضایی مراجعه کرده بودند، زوج‌هایی که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند، در صورت داشتن تمایل و با ارائه‌ی توضیحاتی در مورد نحوه‌ی پاسخ‌گویی به سؤالات و اطمینان بخشی از جهت رعایت اصول اخلاقی توسط پژوهشگران، به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. لازم به ذکر است ملاک‌های ورود به پژوهش عبارتند از: داشتن حداقل تحصیلات سوم راهنمایی (به منظور توانایی خواندن و درک پرسش‌نامه‌های خود گزارش‌دهی) و گذشتن حداقل یکسال از دوره‌ی عقد

یا ازدواج زوجین. از آنجایی که در تحلیل رگرسیون چند متغیری به ازای هر متغیر ملاک ۵ تا ۱۵ نمونه پیشنهاد می‌شود (Hooman, 2005)، در پژوهش حاضر نیز متغیر ملاک یعنی باورهای ارتباطی دارای پنج مؤلفه است که اگر در بالاترین مقدار پیشنهادی، یعنی پانزده ضرب گردد؛ تعداد نمونه مورد نیاز برای هر زوج برابر ۷۵ خواهد بود. به منظور افزایش اعتبار یافته‌های تحقیق از این میزان بیشتر انتخاب شد و ۱۰۰ زوج (۲۰۰ نفر) به عنوان نمونه‌ی نهایی در نظر گرفته شد.

ابزارهای پژوهش

۱- خرده مقیاس روان‌رنجورخویی از پرسش‌نامه‌ی شخصیتی NEO-FFI

پرسش‌نامه‌ی شخصیتی NEO-FFI فرم کوتاه پرسش‌نامه‌ی NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط McCrae & Costa تهیه شده است که دارای ۶۰ سؤال است و پنج عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی، انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری و وجدانی بودن را می‌سنجد. ضرایب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد روان‌رنجورخویی در پژوهش (Sharon, 2002)، ۰/۸۶ و در پژوهش (Vine, 2003)، ۰/۷۴ گزارش شد (به نقل از Abdollahzadeh, 2008). در مطالعه (Garrousi Farshi, 2001)، ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد روان‌رنجورخویی ۰/۸۳ گزارش شده و در پژوهش (Sholi, Beshlidesh, Hashemi SheykhShabani and Arshadi, 2011) آلفای کرونباخ و تصنیف برای تعیین پایایی این خرده مقیاس به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ محاسبه گردید. همچنین روایی و پایایی فرم کوتاه آزمون نیز در پژوهش (Anisi, Majdian, 2012) مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش روایی همزمان این ابزار با پرسش‌نامه‌ی شخصیتی آیسنک مورد بررسی قرار گرفت و روایی هم‌زمان فرم کوتاه آزمون تأیید شد. در این پژوهش پایایی ابزار نیز از طریق محاسبه‌ی آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که تمام ویژگی‌های شخصیتی به جز تجربه‌پذیری ضریب آلفای کرونباخ در دامنه‌ی ۰/۵۸ تا ۰/۸۳ داشتند. در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این مقیاس ۰/۸۳ می‌باشد.

۲- مقیاس خانواده‌ی اصلی^۱ (FOS)

این پرسش‌نامه توسط Hovestadt, Anderson, Piercy, Cochran and Fine در سال ۱۹۸۵ تهیه شد که یک ابزار ۴۰ سؤالی است و برای سنجیدن ادراک و استنباط فرد از میزان سلامت خانواده اصلی‌اش تدوین شده است. مقیاس خانواده‌ی اصلی بر استقلال و صمیمیت به عنوان دو مفهوم کلیدی

^۱Family of origin Scale

در حیات یک خانواده‌ی سالم تمرکز دارد، و هر یک از ۴۰ پرسش آن بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (از یک تا پنج) درجه‌بندی شده است. حداقل نمره «۴۰» و حداکثر «۲۰۰» است که نمرات بالاتر نشانه سلامت بیشتر خانواده اصلی است. پایایی پرسش‌نامه توسط سازندگان آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش شده است و پایایی آن از طریق باز آزمایی دو هفته‌ای در بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۳ برآورد شد (Sanayizaker, Alaghband, Falahati, Hooman, 2008). در ایران، ضرایب آلفای به‌دست‌آمده در پژوهش (Jasebi, 2005) برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای ابعاد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بوده است، هم‌چنین روایی این مقیاس مورد تأیید چند تن از استادان مشاوره کشور قرار گرفته است (Jasebi, 2005). در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این مقیاس ۰/۷۹ می‌باشد.

۳- پرسش‌نامه‌ی باورهای ارتباطی^۱ (RBT)

این پرسش‌نامه به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی توسط (Eidelson and Epstein, 1982) ساخته شده و توسط (Mazaheri, Pouretamad, 2003) با روش ترجمه و ترجمه‌ی مجدد به فارسی برگردانده، مورد استفاده قرار گرفت. دارای ۴۰ سؤال است که در طیف لیکرت به صورت ۶ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. پنج خرده آزمون این سیاهه عبارتند از: باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی، باور به تفاوت‌های جنسیتی و باور به عدم تغییر همسر. همسانی درونی این پرسش‌نامه در پژوهش‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. (O'Leary, 1987) همسانی درونی این پرسش‌نامه را ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش کرده و نشان دادند که هر ۵ خرده مقیاس این پرسش‌نامه با مقیاس‌های سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری دارند. (James, Huntly, & Hemsworth, 2002) برای ۵ خرده مقیاس این پرسش‌نامه آلفای ۰/۵۸ تا ۰/۸۳ را گزارش کرده‌اند. و در ایران (Heidari, Mazaheri, 2006) همسانی درونی را برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۴۷ تا ۰/۷۰ به‌دست آوردند. در پژوهش (Pouresmali, 2015) روایی ساختاری با روش تحلیل عاملی تأییدی برای زیرمؤلفه‌های باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، باور به تفاوت‌های جنسیتی و باور به عدم تغییر همسر به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۶۰، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ برآورد شد، لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر از آنجایی که اکثر شرکت‌کنندگان به زیرمؤلفه‌ی کمال‌گرایی جنسی با توجه به شرایط دادگاه، مسائل فرهنگی و دوره‌ی عقد بودنشان پاسخ ندادند، این زیرمؤلفه حذف گردید. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای این پرسش‌نامه ۰/۸۸ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه‌ی اول: بین عملکرد خانواده‌ی اصلی و باورهای ارتباطی زوجین در آستانه طلاق، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: بین روان رنجورخویی و باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های اول و دوم (رابطه‌ی بین روان رنجور خویی و عملکرد خانواده‌ی اصلی با باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق)، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از این ضریب همبستگی در جدول شماره‌ی ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- ضریب همبستگی روان رنجورخویی و مؤلفه‌های عملکرد خانواده‌ی اصلی با باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. روان رنجور خویی	۱											
۲. صراحت بیان	۰/۳۳	۱										
۳. مسئولیت	۰/۲۵	۰/۵۳	۱									
۴. احترام	۰/۲۷	۰/۶۱	۰/۶۱	۱								
۵. باز بودن	۰/۲۶	۰/۴۶	۰/۶۴	۰/۶۳	۱							
۶. قبول جدایی	۰/۰۷	۰/۲۹	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۴۶	۱						
۷. بیان احساس	۰/۲۹	۰/۴۹	۰/۴۸	۰/۶۶	۰/۵۱	۰/۳۶	۱					
۸. فضای خانه	۰/۱۶	۰/۵۱	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۶۱	۰/۴۷	۰/۶۳	۱				
۹. حل تعارض	۰/۲۱	۰/۵۸	۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۳۶	۰/۵۷	۰/۶۳	۱			
۱۰. هم‌فهمی	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۲۹	۰/۳۵	۰/۴۵	۰/۲۹	۰/۲۰	۰/۴۰	۰/۴۳	۱		
۱۱. اعتماد	۰/۱۰	۰/۳۰	۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۴۰	۰/۵۴	۰/۳۰	۰/۱۶	۱	
۱۲. باور ارتباطی کل	۰/۳۹	۰/۲۹	۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۵	۱

** یعنی در سطح یک صدم معنی دار است.

* یعنی در سطح پنج صدم معنی دار است.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود باورهای ارتباطی زوجین با روان رنجورخویی ($r = 0/39$) رابطه‌ی مثبت و معنی داری دارد. مثبت بودن جهت روابط بین این دو متغیر نشان می دهد که با افزایش روان رنجورخویی، باورهای ارتباطی زوجین نیز افزایش می یابد و بالعکس. از بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده‌ی اصلی، مؤلفه‌ی صراحت بیان ($r = -0/30$)، احترام ($r = -0/15$)، و حل تعارض ($r = -0/17$) با باورهای ارتباطی زوجین رابطه‌ی منفی و معنی داری دارند ($P < 0/05$). بدین معنا که با افزایش مؤلفه‌های صراحت بیان، احترام و حل تعارض، باورهای ارتباطی زوجین نیز کاهش می یابد و بالعکس. بین سایر مؤلفه‌های عملکرد خانواده‌ی اصلی با باورهای ارتباطی زوجین رابطه‌ی معنی داری به دست نیامد.

فرضیه‌ی سوم: عملکرد خانواده‌ی اصلی، قادر به پیش بینی باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق می باشد.

فرضیه‌ی چهارم: روان رنجورخویی، قادر به پیش بینی باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق می باشد.

برای پاسخ گویی به این دو فرضیه (امکان پیش بینی باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق از روی متغیرهای روان رنجور خویی و مؤلفه‌های عملکرد خانواده‌ی اصلی)، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول ۲- ضریب رگرسیون چند متغیری روان رنجورخویی و مؤلفه‌های عملکرد خانواده‌ی اصلی با باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق

شاخص‌های آماری						
متغیرهای پیش‌بین	آزمون	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
روان رنجورخویی	رگرسیون باقیمانده	۶۰۷۳/۴۱	۱	۶۰۷۳/۴۱	۳۶/۵۷	۰/۰۰۱
صراحت بیان	رگرسیون باقیمانده	۳۲۸۷۹/۵۴	۱۹۸	۱۶۶/۰۵	۲۲/۶۴	۰/۰۰۱
اعتماد	رگرسیون باقیمانده	۷۲۸۱/۵۵	۲	۳۶۴۰/۷۷	۱۶/۷۹	۰/۰۰۱
	رگرسیون باقیمانده	۳۱۶۷۱/۴۰	۱۹۷	۱۶۰/۷۶		
	رگرسیون باقیمانده	۷۹۶۶/۸۶	۳	۲۶۵۵/۶۲		
	رگرسیون باقیمانده	۳۰۹۸۶/۰۹	۱۹۶	۱۵۸/۰۹		

با توجه به این‌که این پژوهش به دنبال پیش‌بینی باورهای ارتباطی زوجین بوده است، این متغیر به ترتیب روی روان رنجورخویی و هریک از مؤلفه‌های عملکرد خانواده اصلی به شیوه‌ی رگرسیون گام به گام مورد تحلیل قرار گرفت. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، مؤلفه‌های مسئولیت، احترام، باز بودن، قبول جدایی، بیان احساس، فضای خانه، حل تعارض، و هم‌فهمی در پیش‌بینی باورهای ارتباطی زوجین نقش معنی‌داری نداشته‌اند و بر این اساس از معادله حذف شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که روان رنجورخویی و مؤلفه‌های صراحت بیان و اعتماد بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی باورهای ارتباطی زوجین بوده‌اند. نسبت‌های معنی‌دار F بیانگر ارتباط این متغیرها با باورهای ارتباطی زوجین است ($p < 0.001$).

جدول ۳- نتایج مربوط به ضریب تعیین و ضرایب رگرسیون جدول ۲

شاخص‌های آماری							متغیرهای پیش‌بین
سطح معناداری	آماره t	بتا	B	خطای استاندارد	ضریب تعیین	R	
۰/۰۰۱	۴/۹۰	۰/۳۳	۰/۶۴	۱۲/۸۸	۰/۱۶	۰/۳۹	روان رنجورخویی
۰/۰۰۱	-۳/۲۵	-۰/۲۳	-۱/۱۵	۱۲/۶۷	۰/۱۹	۰/۴۳	صراحت بیان
۰/۰۳۹	۲/۰۸	۰/۱۳	۰/۷۹	۱۲/۵۷	۰/۲۰	۰/۴۵	اعتماد

خلاصه اطلاعات مربوط به ضریب تعیین و نسبت‌های حاصل از تحلیل رگرسیون باورهای ارتباطی زوجین، روی روان رنجورخویی و مؤلفه‌های عملکرد خانواده اصلی، در جدول فوق نشان داده شده‌اند. با توجه به جدول شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که روان رنجورخویی به تنهایی حدود ۱۶ درصد واریانس باورهای ارتباطی زوجین را تبیین می‌کند. اما با افزودن مؤلفه‌های صراحت بیان و اعتماد عملکرد خانواده اصلی، میزان تبیین این سه متغیر حدود ۲۰ درصد گردید. با توجه به تفاضل مقدار تبیین شده می‌توان گفت که تیپ شخصیتی روان رنجورخویی، سهم بیشتری در تبیین تغییرات باورهای ارتباطی زوجین نسبت به مؤلفه‌های عملکرد خانواده اصلی دارد و افزودن این مؤلفه‌ها به روان رنجورخویی، ضریب تعیین ۱۶ درصدی را به ۲۰ درصد، افزایش داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که بین روان رنجورخویی و باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. از بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده اصلی نیز مؤلفه‌های

صراحت بیان، احترام و حل تعارض با باورهای ارتباطی زوجین، رابطه‌ی منفی و معنی‌داری دارند. نتایج روش رگرسیون نیز نشان داد که روان رنجور خوبی و مؤلفه‌های صراحت بیان و اعتماد از عملکرد خانواده‌ی اصلی، توان پیش‌بینی‌کنندگی باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق را دارند. یافته‌ی اول پژوهش حاضر بر رابطه‌ی مثبت بین روان رنجور خوبی و باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق صحه گذاشت و توان پیش‌بینی‌کنندگی باورهای ارتباطی توسط متغیر روان رنجور خوبی تأیید شد. این یافته را می‌توان همسو با نتایج برخی پژوهش‌ها از جمله (Najjarpour, Ostad et al, 2010؛ به نقل از Chatrmehr and Kafi, 2015; Najafi, 2016) مبنی بر این که بین عامل شخصیتی روان رنجور خوبی و باورهای ارتباطی ناکارآمد همبستگی وجود دارد و روان رنجور خوبی قادر به پیش‌بینی باورهای مخرب ارتباطی است، دانست. در راستای تبیین این یافته می‌توان گفت که روان رنجور خوبی یک ویژگی شخصیتی است که ارتباط تنگاتنگی با رضایت‌مندی زوجی دارد و با عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی چون ترس، اضطراب، غم، برانگیختگی، عصبانیت، خشم، احساس گناه و نفرت همراه است. از آن جا که هیجان‌های مخرب در سازگاری فرد و محیط تأثیر دارند، افرادی که دارای نمره‌های بالا در این شاخص باشند، احتمال بیشتری دارد که دارای باورهای غیر منطقی باشند و قدرت کمتر در کنترل امیال و تکانه‌ها و درجه‌ی انطباق ضعیف‌تری با دیگران، به ویژه با همسران خود داشته باشند (Haghshenas, 2006؛ به نقل از Fazel et al, 2011). از سویی دیگر، برجسته بودن ویژگی شخصیتی روان رنجور خوبی و به تبع آن وجود عواطف منفی، می‌تواند باعث افزایش فراوانی حوادث ناسازگار زندگی و تجربه کردن حوادث زندگی استرس‌زا مثل طلاق شود (Poulton and Andrews, 1992؛ به نقل از Narimani, Pouresmali, Hajloo, Mikaeili, 2015). همچنین عواطف منفی، اضطراب و افسردگی بالا در این افراد باعث می‌شود شرایط استرس‌زای بیشتری را در زندگی ایجاد کنند (Hammen, 1991؛ به نقل از Narimani, Pouresmali, Hajloo, Mikaeili, 2015). (Karney and Bradbury, 1995) معتقد است که حوادث استرس‌زا، توانایی و ظرفیت زوجین را برای سازگاری با چالش مواجه می‌سازد که موجب دائمی شدن این حوادث یا وخیم‌تر شدن آن‌ها می‌شود که این امر نیز به نوبه‌ی خود باعث چالش بیشتر و در هم شکسته شدن توانایی زوجین برای سازگاری می‌شود.

(Bouchard, Lussire and Sabourin, 1999) نیز معتقدند که روان رنجور خوبی هم بر ادراک

همسران و هم بر عواطف منفی ناشی از این ویژگی تأثیر می‌گذارد. (Caughlin, Huston and Houts, 2000؛ به نقل از Hoseyni et al, 2013) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که قسمت اعظم رابطه بین روان رنجور خوبی و رضایت زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی منفی بین همسران

است یعنی افراد روان رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های افرادی که در بعد روان رنجور خویی نمرات بالاتری به‌دست می‌آورند این است که در کنار آمدن با مشکلات ضعف دارند و قادر نیستند با موقعیت‌های تنیدگی‌زا به راحتی کنار بیایند (Behrouz et al, 2014). به عبارت بهتر، افرادی که در روان رنجور خویی نمره بالایی دارند، آمادگی آن‌ها برای نشان دادن اضطراب در موقعیت‌های تنیدگی‌زا بیشتر است و عمدتاً از روش‌های متمرکز بر هیجان استفاده می‌کنند. برعکس افرادی که در بعد روان رنجور خویی نمره‌ی پایینی دارند، معمولاً از روش متمرکز بر مسأله استفاده می‌کنند و در نتیجه از سلامت روانی بالایی برخوردار بوده و ضمن برخورداری از باورهای کارآمد، قادر به حفظ ثبات خانواده خود نیز خواهند بود (Xie, Zhou and Gong, 2018).

مسأله‌ی دیگری که در بحث ویژگی‌های افراد دارای نمرات بالا در روان رنجور خویی وجود دارد، بحث انعطاف‌پذیری پایین این افراد است. این مسئله را نیز می‌توان با باور عدم تغییر همسر مطرح کرد. به عبارت بهتر، این افراد به دلیل نداشتن انعطاف لازم و داشتن دید منفی بیشتر، تغییر در افراد از جمله همسر را امری غیر ممکن می‌پندارند. به همین دلیل خود را گرفتار شرایط غیر قابل تغییری می‌دانند که گریز از آن دشوار است و نتیجه این باور، تخریب رابطه‌ی زناشویی است. از طرفی دیگر، همراه با افزایش هیجانات منفی و افزایش احساس خشم در جریان مشاجرات زناشویی و قرار گرفتن در مسیر جدایی، باعث بی‌توجهی به همسر و بی‌اهمیت بودن تغییر‌پذیری همسر در برخی جنبه‌ها می‌شود که نتیجه‌ی این امر ثبات بیشتر باورهای ناکارآمد در زوجین و اصرار برای جدایی می‌باشد.

یافته‌ی دوم پژوهش حاضر عنوان می‌کند که مؤلفه‌ی صراحت بیان (در بعد استقلال) و مؤلفه‌ی ایجاد اعتماد (در بعد صمیمیت)، از عملکرد خانواده‌ی اصلی، توان پیش‌بینی‌کنندگی باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق را دارند. این یافته نیز همسو با نتایج پژوهش‌های (Carr, 2006)، (Roberto – Forman, 2008)؛ (Larson, Taggart-Reedy and Wilson, 2001)؛ به نقل از (Johnson, 2013) و بلیاد و همکاران (Belyad et al, 2014) می‌باشد. آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجارب خانواده‌ی اصلی و تجارب والد - کودک می‌تواند باعث شکل‌گیری نظام باورها در فرزندان شود. بنابراین، باورها به نوعی آموختنی بوده و می‌توان در جهت تغییر آن‌ها نیز اقدام نمود (Khalatbari, Ghorbanshiroudi, Mahdiuon, 2009).

با توجه به آن چه که قبلاً مطرح شد، بخش عمده‌ای از باورها و الگوهای ارتباطی و تعاملات زناشویی فرزندان در دوران کودکی از طریق مشاهده تعاملات زناشویی والدین آموخته می‌شوند.

هنگامی که فرزندان در تجربه‌ی الگوهای مثبت و کارآمد شکست می‌خورند، ممکن است مهارت‌های بین فردی و الگوهای کارآمدی همچون ارتباط مؤثر و حل تعارض را نیاموزند، مهارت‌هایی که مانع از درگیری آن‌ها در الگوهای ارتباطی ناکارآمد و تعارضات زناشویی در آینده می‌شوند. در نتیجه کسانی که مشکلاتی در روابط زناشویی فعلی خود با همسرشان را به دلیل وجود باورهای ناکارآمد ارتباطی تجربه می‌کنند، در واقع مشکلات و باورهای ارتباطی موجود در خانواده‌های اصلی‌شان را مجدداً سازماندهی و بازیابی می‌کنند (Belyad et al, 2014). بنابراین، زمانی که باورهای منشأ گرفته از خانواده‌ی پدری چه خود آگاه و چه ناخود آگاه، از جانب هر دو زوج به هم می‌پیوندند، باعث بروز و شکل‌گیری طرح‌واره‌های خانواده‌ی فعلی می‌شوند. گاه همین باورهایی را که از خانواده‌ی هسته‌ای در خود جذب کرده‌ایم و آن‌ها را به عنوان واقعیت پذیرفته‌ایم، غیر منطقی هستند؛ اما بر اثر استفاده‌ی زیاد آن‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی برای ما به صورت عادت درآمده است و مکرراً از آن‌ها در نظام تفسیری خود استفاده می‌کنیم (Beck, 1976).

والدین باید بتوانند در روابط خود با شریک زندگی و دیگران، توانمندی‌های مهمی نظیر مسئولیت‌پذیری، حل تعارض، همدلی و اعتماد متقابل، احترام، صراحت بیان، بیان احساس و هیجانات مثبت و ایجاد فضای خوب در خانواده را به فرزندان خویش بیاموزند تا این مهارت‌ها در فرزندان کاملاً نهادینه گردد؛ چرا که تمامی این توانمندی‌ها، آنان را در برابر مشکلات آینده به ویژه در روابط زناشویی‌شان ایمن می‌سازد. به نظر می‌رسد زمانی که خانواده‌ی اصلی قادر به برقراری تعادل میان استقلال و صمیمیت نباشد و در انتقال مهارت‌های مربوطه به فرزندان، موفق نباشد و در عوض، انتقال دهنده‌ی باورها و الگوهای ناکارآمد به فرزندان باشد، انتظار می‌رود که چنین فرزندان بلوغ عاطفی کمتری را دارا باشند و ظرفیت کمی را برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند، که نتیجه‌ی این امر بروز مشکلات و تعارضات بیشتر در روابط زوجین است. به عنوان مثال زمانی که فرد در خانواده مهارت صراحت بیان را کسب نکرده باشد باورهای ناکارآمدی نظیر توقع ذهن خوانی را فعال می‌کند. چون بر این باور خواهد بود که شریک زندگی بایستی قادر باشد بدون این که جمله‌ای بر زبان آورده شود، نیازهای او را درک کند. در صورتی که واقعیت چنین نیست. در این صورت است که هر روز بر فهرست بلند بالای احساسات، نیازها و نگرانی‌های فرد که مدت‌ها راجع به آن حرفی نزده و فکر می‌کند همسرش باید آن‌ها را بداند، اضافه می‌شود و در صورت برآورده نشدن آن‌ها، فرد، همسر خود را به بی‌تفاوتی محکوم کرده و در نتیجه رابطه زناشویی رفته رفته رو به سردی و نارضایتی می‌گذارد (Shahrestany et al, 2013).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین روان رنجور خویی و عملکرد خانواده‌ی اصلی با باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به این معنا که افزایش سطح روان

رنجور خویی با سطح پایین عملکرد خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد، همراه است. هم‌چنین کارکرد خانواده‌ی اصلی و مؤلفه‌های آن (صمیمیت و استقلال) نیز قادر به پیش‌بینی باورهای ارتباطی هستند. هر قدر عملکرد خانواده به سطح بهنجار نزدیکتر باشد و قادر باشد آموزش‌های لازم را به صورت مناسب در روند زندگی به فرزندان بیاموزد، به احتمال بیشتری فرزندان آن خانواده در آینده باورهای کارآمدتری را در روابطشان به ویژه در روابط زناشویی خود تجربه خواهند نمود. پس کارکرد خانواده‌ی اصلی نه تنها بر رشد عاطفی و اجتماعی فرزندان تأثیر دارد، بلکه از پیش‌بینی کننده‌های مهم روابط زناشویی آن‌هاست.

بدین منظور پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های تخصصی پیش از ازدواج، صفات شخصیتی از جمله روان رنجور خویی مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که تاکنون اغلب تلاش‌ها بیشتر در زمینه‌ی تشابه و هماهنگی سنی، تحصیلی، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و قومیتی بوده و کمتر به مبحث ویژگی‌های شخصیتی پرداخته شده است؛ این در حالی است که بخش اعظمی از زندگی هر فرد تحت تأثیر صفات شخصیتی اوست. هم‌چنین در مورد برنامه‌های پیش از ازدواج و برنامه‌های مداخله-ای بعد از ازدواج، عملکرد خانواده‌ی اصلی نیز باید به عنوان یکی از ملاک‌های مهم در نظر گرفته شود و در صورتی که فرد مهارت‌های لازم برای زندگی مشترک را در محیط خانواده کسب نکرده باشد، می‌توان تا حد امکان آموزش‌های لازم را به زوجین در جهت سازگاری بیشتر و دوام زندگی مشترک ارائه داد.

References

- Abdollahzadeh, B. (2008). Comparison of personality dimensions, problem-solving styles and the degree of experienced stress among people with substance use disorder and normal people. M.A thesis Psychology, Tabriz, University of Tabriz. (Persian)
- Anisi, J., Majdian, M., Joshanloo, M., Gohari-Kamel, Z. (2012). Validity and reliability of NEO Five – Factor Inventory (NEO-FFI) on university students. Journal of Behavioral Sciences, 5 (4):351-355. (Persian)
- Beck, A. T. (1976). Cognitive therapy and the emotional disorders. New York: International universities press.
- Behrouz, B., Mohammadi F., Aliabadi, S., Kajbaf, M. B., Heidarizadeh, N., Behrouz, B. (2014). A comparison between personality traits and attribution styles of normal couples and divorce petitioners. Knowledge and research in applied psychology, 15 (1), 52-61. (Persian)
- Belyad, M.R., Nahidpoor, F., Azadi, S., Yadegari, H. (2014). The role of family of origin in differentiation of self and marital conflicts. Iranian Journal of Psychiatric Nursing, 2 (2), 81-91. (Persian)

- Botha, A., Berg, HS., Venter, CA. (2009). The relationship between family of origin and marital satisfaction. *Journal of interdisciplinary health science*, 14 (1), 441-447.
- Bouchard, G., Lussire, Y., and Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of five - Factor model of personality. *Journal of marriage and family*, 61 (3), 651-660.
- Buboltz, W. C., Johnson, P., Woller, KM. (2003). Psychological reactance in college students: family-of-origin predictors. *Journal of counseling and development*, 81, 311-317.
- Busby, DM., Holman, TB., Walker, E. (2008). Pathways to relationship aggression adult partners. *Family Relations*, 57, 72-83.
- Carr, A. (2006). *Family therapy; concepts, process and practice*. New York: Wiley.
- Chatrmehr, R., Kafi, M. (2015). Comparative study of irrational and personality traits in infertile and fertile women. *Journal of applied environmental and biological science*, 5 (8), 335-340.
- Dmitrieva, J., Chen, C., Greenberger, E., Gil-Rivas, V. (2004). Family relationships and adolescent psychological outcomes: Converging findings from eastern and western cultures. *Journal of research and adolescence*, 14 (4), 425-447.
- Donnellan, BM., Conger, RD., Bryant, CH M. (2004). The big five and enduring marriages. *Journal of research in personality*, 38, 481-504.
- Eidelson, R. J., and Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional belief. *Journal of consulting and clinical psychology*, 50, 715-720.
- Ellis, A. (2003). The nature of disturbed marital interaction. *Journal of Rational - Emotive and Cognitive behavior therapy*, 21, 147-153.
- Falcke, D., Wanger, A., Mosmann, CP. (2008). The relationship between family of origin and marital adjustment for couples in Brazil. *Journal of family psychotherapy*, 19(2), 170-186.
- Fazel, A., Haghshenas, H., Keshavarz, Z. (2011). Predictive power of personality traits and life satisfaction of women nurses in Shiraz Paired. *Journal of sociology of women*, 2 (3), 139-161. (Persian)
- Gardner, BC., Busby, DM., Burr, BK., Lyon, SE. (2011). Getting to the root of relationship attribution: Family-of-origin perspectives on self and partner views. *Contemporary family therapy*, 33, 253-272.
- Garrousi Farshi, M. T. (2001). *Personality evaluation*. Tabriz: Jameh Pajooh Publication. (Persian)
- Gorchoff, S. M., John, O. P., and Helson, R. (2008). Contextualizing change in marital satisfaction during middle - age: An 18-year longitudinal study. *Psychological science*, 19, 1194-1200.
- Guttman, J. M. (1993). *Divorce in Psychosocial perspective; Theory and research*. Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum associates, Inc., publishers.

- Halford, WK., Sanders, MR., Behrens, B. (2001). Can skills training prevent relationship problems in at risk couples? Four-year effects of a behavioral relationship education program. *Journal of family psychology*, 15, 750-768.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Journal of social behavior and marriage and personality*, 33, 313-328.
- Heidari, M., Mazaheri, M. A., Poouretamad, H. R. (2006). Relationship beliefs and positive feelings toward spouse. *Family research*, 2 (1), 121-130. (Persian)
- Hosseini, Z., Kholghi, z., Jaberi, S., Siddiqui, A., Salehi, V., Tafvizi, M., et al. (2013). Compare couples conflicting personality traits and personality questionnaires 5 ordinary using NEO factor. *Journal of Forensic medicine*, 4 (1), 165-173. (Persian)
- Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11, 287-297.
- Hooman, H. A. (2005). Structural equation modeling with Lisrel application. Tehran: Samt Publication. (Persian)
- James, S., Huntly, J., Hemsworth, D. (2002). Factor structure of relationship belief inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 729-755.
- Jasebi, M. (2005). Relationship between the level of family health and marital satisfaction of women in the education department of Karaj. M. A. Thesis Counseling. Tehran, Khatam University. (Persian)
- Johnson, K. D. (2015). Marital Expectation Fulfillment and its relationship to height of Marital Expectations, optimism and relationship self – efficacy among married Individuals. Ph.D. Thesis. Andrews University.
- Johnson, S. (2013). Factors relating to romantic relationship experiences for emerging adults. Master of science thesis. Brigham Young University.
- Karney, B. R., Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods and research. *Psychological Bulletin*, 118(1), 3-34.
- Khalatbari, J., Ghorbanshiroudi, S., Mahdiuon, Z. (2009). Influence of instruction of preparation program for marriage on Couple's communication beliefs. *Quarterly Journal of educational psychology Islamic Azad University Tonekabon Branch*, 1 (1), 32-45. (Persian)
- Khojasteh Mehr, R. (2005). Personality characteristics, social skills, attachment styles and demographic characteristics as predictors of success and failure in marital relationship among divorce seeking and normal Couples in Ahvaz. Ph.D. Thesis Psychology. Ahvaz, Shahid Chamran University. (Persian)
- Levy, SY., Wamboldt, FS., Fiese, BH. (1997). Family-of-origin experiences and conflict resolution behaviors of young adult dating couples. *Family Process*, 36, 297-310.
- Lin, Y. C., Raghbir, P. (2005). Gender differences in unrealistic optimism about marriage and divorce: Are men more optimistic and women more realistic? *Personality and social psychology bulletin*, 31, 198-207.
- Markman, HJ., Rhoades, GK., Stanley, SM., Ragan, EP, Whitton, SW. (2010). The premarital communication roots of marital distress and divorce: The first five years of marriage. *Journal of family psychology*, 24 (3), 289-298.

- Mazaheri, M. A., Pouremad, H. R. (2003). Relationship beliefs scale. Tehran: Unprinted report from family research center, Shahid Beheshti University. (Persian)
- Najafi, A. (2016). The relationship between personality traits, irrational beliefs and couple burnout. *International Academic Journal of social science*, 3 (1), 1-7.
- Narimani, M., Pouresmali, A., Hajloo, N., Mikaeili, N. (2015). Permanent diathesis and marital disaffection among applicant for divorce couples: Mediating role of stressful events. *Family counseling and psychotherapy*, 5 (2), 24-50. (Persian)
- O'leary, K.D. (1987). Assessment of marital discord. USA: Lawrence Erlbaum Associates inc.
- Pouresmali, A. (2015). Explaining of marital disaffection in applicant for divorce couples based on diathesis-stress model and adjustment among applicant for divorce couples. Ph.D. Thesis Psychology. Ardabil, University of Mohaghegh Ardabili. (Persian)
- Roberto-Forman, L. (2008). Transgenerational Couple therapy. In Burman, AS. (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (4 th ed). New York, NY: The Guilford Press; 196-226.
- Sanayizaker, B., Alaghband, S., Falahati, S., Hooman, A. (2008). Family and marriage measures. Tehran: Be'sat Publication. (Persian)
- Schultz, D. P., and Schultz, S. E. (2016). Theories of personality. Cengage Learning.
- Shahrestany, M., Doustkam, M., Rahbardar, H., and Mashhadi, A. (2013). Predicting marital satisfaction over the relational belief and marital intimacy variables in normal and divorced women in Mashhad. *Scientific research Quarterly of: Woman and culture*, 4 (14), 19-42. (Persian)
- Sholi, S., Beshlideh, K., Hashemi SheykhShabani, S. E., Arshadi, N. (2011). An investigation of the relationship between neuroticism, work-family conflict, role overload, procedural justice, distributive justice and job control with job burnout in employees of Ahvaz Gas Company. *Journal of Psychology Achievements*, 4 (1), 47-72. (Persian)
- Starchet, R., and Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, Genered irrational relationship beliefs and young adult romantic relationship satisfaction. *Journal of personality and individual differences*, 34 (8), 1419-11.
- Story, LB., Karney, BR., Lawrence, E., Bradbury, TN. (2004). Interpersonal mediators in the intergenerational transmission of marital dysfunction. *Journal of family psychology*, 18 (3), 519-529.
- Whitton, S. W. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of family psychology*, 22(2), 274-286.
- Worthington, E. L. (2005). Hope-focused marriage counseling recommendations for researchers, clinicians and church workers. *Journal of psychology and technology*, 31(3), 231-239.
- Xie, J., Zhou, Z. E., Gong, Y. (2018). Relationship between proactive personality and marital satisfaction: A spillover – crossover perspective. *Personality and individual differences*, 128, 75-80.

